

چهارشنبه ۲۹ / ۱۰ / ۱۴۰۰ جلسه ۷۰

موضوع: فقه شعائر / ادله رجحان تعظیم شعائر (اعم از وجوب و ندب) / سنت قولی، سنت فعلی و تقریری

در این زمینه (رجحان تعظیم شعائر) به آیات و روایات و سنت قولی اشاره کردیم و گفتیم که در این جهت روایات تواتر معنوی دارند.

سنت قولی و بلکه سنت فعلی

در فعل و سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) تعظیم شعائر إلى ماشاء الله است و ما قائل هستیم که سیره فعلی هم در تعظیم شعائر به نحو تواتر معنوی موجود است. کتاب فقه الشعائر الدینیة از فاضل الصفار در این زمینه مطالب کلی را جمع آوری کرده است. در این زمینه بر تعظیم شعائر از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) سیره قطعی (سیره فعلی) داریم.

مثلاً **احترام به حجرالاسود**؛ اهل بیت (علیهم السلام) یکی از مستحبات را استلام، لمس کردن، بوسیدن و صورت و دست کشیدن به حجرالاسود می‌دانند و یا در مقابل حجرالاسود این جمله را بگوئیم: ای حجرالاسود در روز قیامت بر عهد و میثاق من بر ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و اهل بیت (علیهم السلام) شهادت بده.

احترام به قرآن؛ هتک قرآن جایز نیست و معلوم می‌شود که نسبت به قرآن در سنت فعلی اهل بیت (علیهم السلام) تعظیم صورت می‌گرفته و قولاً هم تظعیم هست.

احترام به مساجد؛ سنت فعلی این بوده که اهل بیت (علیهم السلام) نسبت به مساجد احترام می‌گذاشتند.

آثار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم). مثلاً یعقوب بن شعیب در خدمت امام صادق (علیه السلام) بود و حضرت (علیه السلام) از داخل صندوق یک پیراهن کرباس بیرون آوردند و آن را بوسیدند و فرمودند این، پیراهن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است که در جنگ احد بر تنشان بود و راوی می‌گوید: دیدم در آستین چپ لباس اثر خون است. حضرت (علیه السلام) فرمودند این، اثر خون دندان جلویی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است که در روز جنگ احد شکست و من (امام صادق (علیه السلام)) این دندان را برداشتم تا روز قیامت گناهکاران اتم را شفاعت کنم و حضرت (علیه السلام) گریستند و فرمودند این پیراهن نزد ما است تا به دست حضرت مهدی (علیه السلام) از خاندان ما (اهل بیت (علیهم السلام)) برسد. یعنی امام صادق (علیه السلام) با احترام پیراهن را بوسیدند و در مورد آن توضیح دادند.

احترامی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به اهل بیت (علیهم السلام) می‌گذاشتند و شأن اهل بیت (علیهم السلام) را تعظیم می‌کردند. گاهی می‌فرمایند **إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِمَحَبَّتِهِمَا** نسبت به حضرت زهرا (سلام الله علیها) احترام می‌کردند. نسبت به امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سنن ترمذی می‌فرمایند **يَا عَلِيُّ حَرْبِكَ حَرْبِي وَ سَلْمُكَ سَلْمِي**. بعد از نزول آیه تطهیر بعضی از سنی‌ها نقل کردند که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تا ۶ ماه هر روز جلوی درب خانه امیرالمؤمنین (علیه السلام) و حضرت زهرا (سلام الله علیها)

می‌ایستادند و دست‌هایشان را به دو دربند درب می‌گرفتند و با صدای بلند می‌فرمودند **إِذَا خَرَجَ إِلَى صَلَاةِ الْفَجْرِ، يَقُولُ: الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ، إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا**. یعنی هیچ جای مناقشه‌ای نباشد که همه بفهمند منظورشان خانه امیرالمؤمنین (علیه السلام) و حضرت زهرا (سلام الله علیها) بوده است.

در جریان حدیث کساء پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از بابت فعل و قولشان تعظیم و اجلال انجام دادند.

کتاب فقه الشعائر الدینیة صفحه ۲۳۷ سنت فعلیه را مطرح و به مثال‌های فوق اشاره می‌کند.

مثلاً رفتن در مقام مباحله که سنت فعلی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در تجلیل از امیرالمؤمنین (علیه السلام)، حضرت زهرا (سلام الله علیها) و امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) است.

یا اهل بیت (علیهم السلام) را مقارن قرآن قرار می‌دادند.

البته اینها خلط شده، چون همه اینها سنت قولی است، در حالیکه محل کلام ایشان سنت فعلی بوده است.

در صحیح بخاری در ۳ جا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند **عَلَى مِنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ**. که سنت قولی است یعنی اینگونه به اهل بیت (علیهم السلام) جایگاه می‌دادند.

پس نتیجه می‌گیریم که:

۱- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) برای اهل بیت (علیهم السلام) احترام قائل بودند، همانگونه که ما باید برای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) احترام قائل شویم.

۲- اهل بیت (علیهم السلام) خود دین و بلکه امامان این دین هستند و احترام آنها به طریق اولی لازم است.

۳- بعضی از روایات وجوب تعظیم اهل بیت (علیهم السلام) را می‌فهماند. اما آیا وجوب تعظیم سایر شعائر را هم می‌فهماند یا خیر؟ وقتی وجوب تعظیم اهل بیت (علیهم السلام) معلوم شود، سرّش این است که اینها رموز و اولیاء دین هستند، پس هر چیزی که به اینها مرتبط شود، دارای احترام می‌شود.

پس سنت قولی و فعلی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) بر تعظیم کردن اشیاء و مواردی بوده و مهمترین تعظیم، خود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) هستند.

سنت تقریری

فاضل الصفا در کتاب فقه الشعائر الدینیة صفحه ۲۴۵ می‌فرماید **ما ورد أن أبا طيّبه شرب دم حجامت النبي فلم ينكر عليه**. البته این، برای ما ثابت نیست. ایشان از نهایت الاحکام مرحوم شیخ طوسی آدرس می‌دهد، ولی ما نمی‌دانیم این، درست است یا خیر، لذا توقف می‌کنیم.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در آخر عمر خود روی منبر فرمودند اگر کسی حقی به ذمه من دارد، بگوید. شخصی بلند شد و گفت شما یک روز می‌خواستید به شتر خود تازیانه بزنید و اشتباهی به شکم من خورد، حضرت (علیه السلام) فرمودند قصاص کن ولی ایشان شکم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را بوسید. البته باور این موضوع برای ما سخت است و قبول نداریم. چون: اولاً وارد نشده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) حتی حیوانی را زده باشند و اراده ضرب کرده باشند و معنایش این است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در امور شخصیه خود دچار سهو و خطا می‌شدند و شاهد مطلب این است که می‌خواستند تازیانه را به شتر بزنند، ولی به آن شخص اصابت کرده است.

ثانیاً چون ما علی المبنای قائل هستیم که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) از هر گناه و خطا و اشتباهی معصوم هستند، حتی در افعال شخصیه خود، لذا این روایت را نمی‌پذیریم. البته آدرسی که ایشان داده از مجمع الزوائد هیشمی است، ولی ما از نظر سند این آدرس‌ها را نمی‌پذیریم. ولو مرحوم محدث قمی در منتهی الآمال آورده‌اند، اما پذیرفتنی نیست.

ابو حنیفه دید که امام صادق (علیه السلام) بر عصایی تکیه زده‌اند و گفت **ما هذه العصا يا ابا عبدالله! ما بلغ بك من السن ما كنت تحتاج به إليها؟** سنی از شما (امام صادق (علیه السلام)) نگذشته است. حضرت (علیه السلام) فرمودند **قال: اجل، ولكنها عصا رسول الله فأردت أن أتبرک بها. قال أما إنني لو علمت ذلك و أنها عصا رسول الله لقمتم و قبلتها.** حضرت (علیه السلام) فرمودند سبحان الله، چه می‌گویی؟ این عصای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است. و **الله يا نعمان لقد علمت أن هذا من شعر رسول الله و من بشره فما قبلت، این، مو و پوست پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است. فتناول ابوحنيفة ليقبل يده، فاسبل عليه السلام كمه و جذب يده و دخل منزله، تو پوست و موی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را احترام نمی‌کنی و می‌گویی اگر می‌دانستم که عصای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است، احترام می‌کردم! ابو حنیفه این حرف را زد ولی حضرت (علیه السلام) فرمودند عصای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را نبوس، بلکه فرمودند و تبرک بها.**

از نکات مهم این روایت این است که احمد در مسند خود نقل کرده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند **قال لما قدم علي (عليه السلام) علي رسول الله لفتح خيبر قال (صلى الله عليه وآله): لولا أن تقول فيك طائفة من أمتي ما قالت النصارى في المسيح (عليه السلام) لقلت فيك اليوم مقالا لا تمر بملأ إلا أخذوا التراب من تحت قدميك ومن فضل طهورك يستشفون بهما^{۲۱}**، اگر نمی‌ترسیدم که گروهی از مسلمانان آن رفتاری را با شما کنند که مسیحی‌ها با حضرت عیسی (علیه السلام) کردند (در مورد پدر، پسر، روح القدس).

بحث عزاداری

آیا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در بحث عزاداری موارد تعظیم شعائر را داشتند یا خیر؟

۱ غایه المرام وحجته الخصام فی تعیین الإمام، البحرانی، السید هاشم، ج ۶، ص ۵۶.

مثلاً در بعضی از تعبیر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند **میت لا بواکی له**، میتی که گریه کننده ندارد عزت و گرامیداشتی برایش رعایت نشده است. یعنی هر میتی باید گریه کن داشته باشد.

یا مثلاً ابن عبدالبر در الاستیعاب می گوید بعد از جنگ احد، خانواده های قبایل بنی اشعر و بنی ظفر بر شهیدان خود گریه می کردند و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند **لکن حمزه لا بواکیه له الیوم**^۳، امروز عمویم حضرت حمزه گریه کن ندارد و به همین خاطر زنان مدینه به منزل حضرت حمزه رفتند و شروع به گریه کردند. بنابراین در بحث اقامه عزا و گریه کردن در فقدان یک عزیز محترم، هم فعل و هم تأکید پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بر این جهت بوده است.

یا در بحار جلد ۲۲ صفحه ۲۷۶ می فرمایند در در جنگ مویه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) ۳ نفر علمدار معرفی کردند و هر ۳ نفر شهید شدند و در خبر شهادت جعفر طیار (برادر امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود که در جنگ مویه سردار و علمدار سپاه بود و در این جنگ شهید شد) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از جنگ ابتدا به خانه جعفر طیار رفتند و بعد به خانه امیرالمؤمنین (علیه السلام) و حضرت زهرا (سلام الله علیها) رفتند، چون جعفر طیار برادر امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود و به امیرالمؤمنین (علیه السلام) تسلیت گفتند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دیدند که حضرت زهرا (سلام الله علیها) بر جعفر طیار گریه می کنند و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند **ولما أتى النبی نعی جعفر أتی امرأته أسماء بنت عمیس فغزاها فی زوجها جعفر ، ودخلت فاطمة وهی تبکی و تقول : واعماه. فقال رسول الله: علی مثل جعفر فلتبک البواکی**^۴، این گریه فقط برای جعفر طیار نیست بلکه گریه برای هر کسی است که مثل جعفر طیار باشد، یعنی حضرت (علیه السلام) کد هم دادند. شاید کسی بگوید اگر کسی مثل جعفر طیار پیدا نکردیم، چه کنیم؟ یعنی کنایه از اینکه کسی که عزیز و محترم باشد و کشته شود و یا در جنگ شهید شود، باید بر او گریه کرد.

تعظیم شعائر در اصل اقامه مجلس گریه و عزا بر شهداء صدر اسلام کاملاً از سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در شیعه و سنی استفاده می شود و در سنت و سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) مسئله اقامه عزا بر مؤمن و مخصوصاً بر شهدا **إلی ما شاء الله** بوده است.

۳. الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ابن عبد البر، ج ۱، ص ۳۷۴.

۴. بحار الأنوار - ط مؤسسة الوفاء، العلامة المجلسی، ج ۲۲، ص ۲۷۶.